



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Developmental effects of life insurance from the perspective of social capital

H. Zobeiri^{1,*}, M. Mottevaseli², M. Ahrari³

¹*Department of Economics, Faculty of Economic and Administrative Sciences, Mazandaran University, Mazandaran, Iran*

²*Department of Economics, Faculty of Economics, University of Tehran, Iran*

³*Department of Oil and Gas Economics, Markets and Finance, School of Economics, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran*

ARTICLE INFO

Article History

Received: 07 March 2015

Revised: 09 April 2015

Accepted: 04 May 2016

ABSTRACT

Several studies have been conducted on the relationship between life insurance and economic growth, based on conventional economic attitudes and in the framework of macro models of economic growth, but less attention has been paid to its development aspects. The present research tries to explain and analyze the developmental effects of life insurance from the perspective of social capital. For this purpose, the causal relationships between per capita life insurance and social capital for two selected groups of developed and developing countries have been investigated using the evolutionary and non-linear GMDH algorithm in the framework of neural network structure. The results of this research show that there is a two-way non-linear causality between social capital and life insurance per capita in developed countries, while there is a one-way causality from life insurance per capita to social capital in selected developing countries. Therefore, per capita life insurance has a much stronger effect on social capital for both groups of countries.

Keywords

*Development; Life Insurance;
Social Capital; Nonlinear
Causality; GMDH.*

***Corresponding Author:**

Email: zobeiri@umz.ac.ir

DOI: [10.22056/ijir.2016.02.01](https://doi.org/10.22056/ijir.2016.02.01)



مقاله علمی

آثار توسعه‌ای بیمه زندگی از منظر سرمایه اجتماعی

هدی زبیری^{۱*}، محمود متولی^۲، مهدی احراری^۳

^۱ گروه اقتصاد، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران

^۲ گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۳ گروه اقتصاد نفت و گاز، بازارها و مالیه، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده:

مطالعات متعددی در خصوص رابطه بین بیمه زندگی و رشد اقتصادی، مبتنی بر نگرش‌های اقتصادی مرسوم و در چارچوب الگوهای کلان رشد اقتصادی صورت پذیرفته است، ولی کمتر به جنبه‌های توسعه‌ای آن توجه شده است. تحقیق حاضر می‌کوشد تا اثرات توسعه‌ای بیمه زندگی را از منظر سرمایه اجتماعی تبیین و تحلیل کند. برای این منظور روابط علی بین سرانه بیمه زندگی و سرمایه اجتماعی برای دو گروه منتخب از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه با استفاده از الگوریتم تکاملی و غیرخطی GMDH در چارچوب ساختار شبکه عصبی بررسی شده است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که یک علیت غیرخطی دوطرفه بین سرمایه اجتماعی و سرانه بیمه زندگی در کشورهای توسعه‌یافته وجود دارد، در حالی که، علیتی یکطرفه از سرانه بیمه زندگی به سرمایه اجتماعی در کشورهای منتخب در حال توسعه برقرار است. لذا، سرانه بیمه زندگی تأثیر به مراتب قوی‌تری بر سرمایه اجتماعی برای هر دو گروه کشورها دارد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳ اسفند ۱۶

تاریخ داوری: ۱۳۹۴ فوریه ۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵ اردیبهشت ۱۵

کلمات کلیدی

توسعه

بیمه زندگی

سرمایه اجتماعی

علیت غیرخطی

GMDH

*نویسنده مسئول:

ایمیل: zobeiri@umz.ac.ir

DOI: [10.22056/ijir.2016.02.01](https://doi.org/10.22056/ijir.2016.02.01)

مقدمه

عملکرد اقتصادی اکثر کشورهای درحال توسعه در طول چند دهه گذشته نشان می‌دهد که این کشورها به رغم الگوبرداری از سیاستگذاریهای اقتصادی از کشورهای صنعتی، موفقیت چندانی در دستیابی به پیشرفت اقتصادی و رشد و توسعه پایدار کسب نکرده‌اند. بسیاری از پژوهشگران از قبیل باردهان^۱ (۱۹۸۹)، مکثول^۲ (۱۹۹۶)، و آلسینا^۳ و همکاران (۲۰۰۳) بر این باورند که مهم‌ترین علت عدم موفقیت کشورهای درحال توسعه، وجود محدودیتهای اجتماعی عمده و نبود نظم و سرمایه اجتماعی در این کشورهای است که مانع بازارآبی نهادهای کشور به شیوه‌ای مؤثر در فریند توسعه اقتصادی می‌شود. براساس مطالعات ایشان، متفاوت‌بودن درجه نظم و انسجام، ظرفیت بسیج، و قابلیت هماهنگی گروه‌های اجتماعی متفاوت، به عنوان یکی از مهم‌ترین دلایل عملکرد متفاوت کشورها در راستای ایجاد نهادهای کارآمد و دستیابی به توسعه در مطالعات اقتصادی مطرح شد.

از طرف دیگر، با توجه به آنکه شکل‌گیری، انباست، و نهادینه شدن سرمایه اجتماعی در هر جامعه متأثر از عوامل و فرایندهای متعددی، طی دوره‌های متفاوت است و همچنین با توجه به متفاوت‌بودن پیشینه و تاریخ هر کشور، از نظر اجرایی و سیاستی، اتفاق نظر و توصیه یکسانی برای ارتقای سرمایه اجتماعی میان محققان دیده نمی‌شود. بدويژه آنکه سرمایه اجتماعی و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن در یک فرایند چرخه‌ای یکدیگر را تقویت می‌کنند و در طول زمان وابستگی به مسیر را سبب می‌شوند (زبیری و کریمی، ۱۳۹۲). در عین حال، یافته‌های مطالعات تجربی در این زمینه نشان می‌دهد که کاهش فقر و نابرابری در دسترسی به انواع امکانات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و ایجاد تغییرات اساسی در شرایط زندگی و کار در کشورهای درحال توسعه به گونه‌ای که تمام آحاد جامعه از تأمین معاش، سلامت، و امنیت خود و خانواده‌شان برخوردار باشند، نقش بسزایی در گسترش سرمایه اجتماعی در جوامع دارد (Sen, 1999; North, 2000). همین امر، نقش و اهمیت صنعت بیمه و بهویژه بیمه زندگی و بیمه‌های خرد در کشورهای درحال توسعه را (در کنار نقش دولت و سیاستهای عمومی) در کاهش فقر و نابرابری و افزایش امنیت اجتماعی نشان می‌دهد. بیمه‌های زندگی و خرد با مدیریت خطرات پیش روی افراد و کاهش شدت آسیب‌پذیری اقشار کم‌درآمد جامعه، منجر به افزایش امنیت اجتماعی و افزایش شاخص حضور و مشارکت افراد در زندگی اقتصادی و اجتماعی برای اقشار کم‌درآمد جامعه و درنتیجه افزایش برخورداری همگانی می‌شوند (Churchill, 2006; Mosley, 2009).

گسترش صنعت بیمه علاوه بر آثار مستقیمی که بر رشد و توسعه اقتصادی جوامع دارد، با کاهش فقر و نابرابری و افزایش امنیت اجتماعی و درنتیجه افزایش سرمایه اجتماعی به طور غیرمستقیم نیز نقش مهمی در مسیر دستیابی به توسعه اقتصادی ایفا می‌کند. بر این اساس، مسئله اصلی در تحقیق حاضر بررسی رابطه میان سرانه بیمه زندگی و سرمایه اجتماعی در کشورهای منتخب درحال توسعه و توسعه یافته است. انتظار می‌رود تقویت و گسترش بیمه‌های زندگی منجر به افزایش سرمایه اجتماعی شود. تحقیق حاضر پس از مقدمه فوق در بخش دوم، به بررسی و تحلیل نظری بیمه زندگی و چگونگی تأثیرگذاری بیمه‌های زندگی بر سرمایه اجتماعی می‌پردازد. سپس، بخش سوم، به معرفی الگوریتم تکاملی و غیرخطی^۴ (GMDH) و بخش چهارم به ارائه یافته‌های تحقیق اختصاص می‌یابد. در پایان، نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه می‌شود.

مبانی نظری پژوهش**بیمه زندگی**

انسان از آغاز پیدایش جوامع انسانی، در جستجوی غریزی به دنبال تأمینهای جسمی، اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی بوده است. با توجه به همین نیاز بوده که شرکتهای بیمه با ارائه طرحهای متفاوت و ابتكاری متناسب با نیازهای جوامع انسانی در پی تأمین و تسهیل این غریزه ثبات مالی و اقتصادی برآمدند تا در زمان بروز حادثه ناگوار، شیرازه اقتصاد خانواده‌ها از هم نپاشد و افراد وابسته به شخص متوفی و یا حادثه دیده بتوانند از مزایای این تأمین اقتصادی بهره‌مند شوند. نیازهای خانواده در اغلب جوامع بشری با هر درجه‌ای از پیشرفت و تکامل را می‌توان به، ۱. تأمین درآمدی معین و مشخص برای افراد یک خانواده پس از فوت نان‌آور خانواده، و ۲. تأمین درآمدی معین و مشخص برای ایام از کارافتادگی، پیری، و بازنشستگی طبقبندی کرد.

¹. Bardhan

². Maxwell

³. Alesina

⁴. Group Method Data Handling

بیمه‌های اشخاص (عمر، حادثه، و درمانی) یکی از شاخصهای شناخته شده برای سنجش میزان تأمین و رفاه مردم کشورهاست و کشورهایی که افراد آن به فراخور نیاز خود از این تأمین برخوردارند، با اطمینان و اعتماد بیشتری در برنامه‌ریزی توسعه و گسترش جامعه خویش مشارکت می‌کنند (وب‌گاه بیمه مرکزی^۱).

صنعت بیمه یکی از بخش‌های اصلی در حوزه نهادهای مالی و ضریب نفوذ آن یکی از شاخصهای توسعه اقتصادی هر جامعه‌ای است. در این بین، بیمه‌های زندگی علاوه بر دارابودن وجود توسعه مالی و اقتصادی، یکی از شاخصهای توسعه رفاه نیز هستند. بیمه زندگی بزرگ‌ترین بخش صنعت بیمه در دنیاست، زیرا از یکسو با هدایت سرمایه‌های کوچک خانوار به سوی ایجاد ظرفیت‌های اقتصادی و از سوی دیگر با رفع دغدغه‌های آتی نهاد خانواده به عنوان عرضه‌کننده نیروی کار، نقش انکاراپذیری در توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد (متولسلی و همکاران، ۱۳۹۰).

براساس سالنامه آماری صنعت بیمه در سال ۱۳۹۱، سهم بیمه زندگی در پرتفوی بیمه کشور، ۸ درصد، ضریب نفوذ آن (سهم از تولید ناخالص داخلی) ۱۰ درصد (در دنیا، ۳/۷ درصد)، حق بیمه تولیدی برای بیمه زندگی، ۸۳۶ میلیون دلار (در دنیا، ۲۶۲۱ میلیارد دلار) و سرانه آن معادل ۱۱ دلار (در دنیا، ۳۷۳ دلار) است. جدول ۱، یک مقایسه کلی از سهم حق بیمه زندگی ایران با کشورهای منطقه و جهان، طی ۵ سال ۱۳۸۵-۱۳۹۰ را نشان می‌دهد.

جدول ۱: بررسی مقایسه‌ای سهم از حق بیمه زندگی (درصد) در ایران و جهان

سال	سهم بیمه زندگی در ایران	سهم بیمه زندگی در کشورهای منطقه چشم‌انداز	سهم بیمه زندگی در آسیا	سهم بیمه زندگی در جهان
۵۷/۸	۷۴/۵	۲۴/۵۹	۶/۱	۲۰۰۶
۵۹/۲	۷۳	۲۴/۴	۵/۶	۲۰۰۷
۵۷/۸	۷۴/۵	۲۳/۵	۵/۲	۲۰۰۸
۵۷/۳	۷۴	۲۵/۶	۶/۹	۲۰۰۹
۵۸/۰۷	۷۳/۶۴	۲۶/۱	۷/۹	۲۰۱۰
۵۷/۲	۷۲/۶	۲۶/۴	۸	۲۰۱۱
۵۶/۸	۷۱	۲۴/۴	۷/۸	۲۰۱۲

مأخذ: سالنامه آماری صنعت بیمه (۱۳۹۱)

از جدول (۱) ملاحظه می‌شود که سهم بیمه‌های زندگی در کشورهای منطقه چشم‌انداز ۱۴۰۴، نسبت به متوسط جهانی پائین‌تر است. نکته جالب اینکه این سهم در آسیا، از متوسط جهانی به طور قابل ملاحظه‌ای بیشتر است. مطابق اهداف برنامه پنجم توسعه، سهم بیمه‌های زندگی باید به ۱۰ درصد و در افق ۱۴۰۴، به ۱۵ درصد افزایش یابد. بر این اساس، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های متولیان صنعت بیمه در ایران، افزایش سهم بیمه زندگی در سبد خانوار و به تبع آن رشد سهم و ضریب نفوذ آن در کل پرتفوی بیمه و اقتصاد کشور است.

عوامل کمی و کیفی بسیاری بر توسعه بیمه زندگی تأثیرگذار است. بنابراین استفاده از روشی که بتواند همه عوامل مختلف را هم‌زمان و در ارتباط با هم مورد مطالعه قرار دهد بسیار حائز اهمیت است. رویکرد نهادگرای جدید، رشته‌های اقتصاد، حقوق، نظریه سازمان، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، و انسان‌شناسی را ترکیب می‌کند تا به درک مناسبی از نهادهای اجتماعی، سیاسی، و بازارگانی برسد (متولسلی، نیکوностبی و فرضی‌زاده، ۱۳۸۹). رویکرد نهادگرای جدید، برخلاف چارچوب فکری جریان اصلی، وجود بالقوه عوامل متعدد و متنوع را در فرایند تحلیلهای گسترده در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، نهادی و ... به منصة ظهور می‌رساند و علاوه بر ایجاد یک بینش چندوجهی، نتایج و تحلیلهای واقعی‌تری را از علل و عوامل بروز پدیده‌ها تبیین می‌کند. بنابراین، نگاه مکانیکی به عنوان یکی از وجوده تحلیل و علامت-دهنده، و نه تمام آن مطرح است.

نکته اصلی که در این تحقیق روی آن تأکید ویژه‌ای می‌شود این است که بیمه‌های زندگی با مدیریت خطرات پیش روی افراد و کاهش شدت آسیب‌پذیری اقشار کم‌درآمد جامعه، منجر به افزایش امنیت اجتماعی و افزایش شاخص حضور و مشارکت افراد در زندگی اقتصادی و اجتماعی برای اقشار کم‌درآمد جامعه و درنتیجه افزایش نظم و انسجام اجتماعی می‌شوند. لذا گسترش صنعت بیمه، علاوه بر آثار مستقیمی که بر رشد و توسعه اقتصادی جوامع دارد، با کاهش فقر و نابرابری و افزایش امنیت اجتماعی و درنتیجه افزایش نظم و انسجام اجتماعی به طور

^۱. www.centinsur.ir

غیرمستقیم نیز نقش مهمی در مسیر دستیابی به توسعه اقتصادی ایفا می‌کند. چرا که نظام و انسجام اجتماعی در هر جامعه‌ای موجب کاهش ریسک، کاهش ناطمنانی، افزایش اعتماد، گسترش ارتباطات، و تعاملات بین بنگاه‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی و همچنین افزایش امنیت دارایی‌های فیزیکی و ذهنی افراد می‌شود و درنتیجه اولین شالوده و پایگاه برای فعالیتهای مولد و نوآوریهایی می‌شود که به جای حرکت در مسیر جریان عادی، موجب جهش‌های اقتصادی می‌شود. لذا، توجه به بیمه‌های زندگی نه تنها تبیین کننده علل و عوامل توسعه آن در جامعه است بلکه می‌تواند راه حل‌های ریشه‌ای و مبتنی بر واقعیت را نیز برای رفع موانع موجود ارائه کند.

چگونه سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد؟

مفهوم "سرمایه اجتماعی" به عنوان نوعی سرمایه‌گذاری در ساختار روابط انسانی، در اقتصاد اجتماعی شناخته شده است که همکاری و هماهنگی در روابط میان افراد جامعه را تسهیل می‌کند. اولین توضیح و تفسیر یکپارچه از مفهوم سرمایه اجتماعی توسط بوردیو^۱ (۱۹۸۶) انجام شد. به عقیده بوردیو، سرمایه اجتماعی جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که از شبکه‌ای بادوام از روابط کمابیش نهادینه شده ارتباط و شناخت متقابل (به بیان دیگر عضویت در یک گروه) حاصل می‌شود. او به سرمایه اجتماعی یک نگاه ابزاری دارد و متوجه منافعی است که افراد به سبب شرکت در تعاملات اجتماعی به دست می‌آورند. از نظر کلمن^۲ (۱۹۹۰)، سرمایه اجتماعی شیء واحدی نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگون است که دو ویژگی مشترک دارند. همه آنها جنبه‌هایی از ساخت اجتماعی را شامل می‌شوند و کنشهای معین افرادی را میسر می‌سازند که در نبود آن دست‌یافتنی نخواهد بود. فوکویاما^۳ (۱۹۹۵)، سرمایه اجتماعی را مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی دانسته است که اعضای گروهی که همکاری میان آنها وجود دارد، در آن شریک هستند. بکر^۴ (۱۹۹۶)، بر نتایج حاصل از سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی متصل می‌کند. کولیه^۵ (۱۹۹۸) در تبیین سرمایه اجتماعی، به آثار خارجی کنشهای متقابل اجتماعی توجه می‌کند و پورتس^۶ (۱۹۹۸) معتقد است که با وجود اختلاف‌نظرها در تعریف سرمایه اجتماعی، به تدریج این توافق حاصل شده است که سرمایه اجتماعی بیانگر این مسئله است که کنش‌گران قادرند در پرتو عضویت در شبکه‌های اجتماعی یا سایر ساختارهای اجتماعی، منافعی را به دست آورند (رنانی و مویدفر، ۱۳۹۰).

به عقیده دایتون^۷ (۲۰۰۳)، سرمایه اجتماعی نوعی سرمایه‌گذاری فردی برای منافع جمعی است. افراد و بازیگران اجتماعی به امید کسب سود انتظاری در روابط اجتماعی سرمایه‌گذاری می‌کنند و سرمایه اجتماعی نیز مانند سرمایه فیزیکی و انسانی توسط افراد جامعه به امید دریافت بازدهی مالی یا فیزیکی در آینده، توسعه می‌یابد. این بازدهی انتظاری می‌تواند مستقیماً نسبت فرد سرمایه‌گذار (کسی که در سرمایه اجتماعی سرمایه‌گذاری کرده است) شود، اما عمدتاً دارای آثار خارجی مثبت و منفی است که بر طبق اسبرگ^۸ (۲۰۰۳) برآیند آثار خارجی مثبت بر منفی غلبه می‌کند. به همین علت سرمایه اجتماعی یک کالای عمومی محسوب می‌شود هر چند که با سرمایه‌گذاری خصوصی تولید می‌شود. بر این اساس، سرمایه اجتماعی مفهومی برخاسته از فرد عنوان می‌شود و افراد برپایه تحلیل هزینه- فایده، اقدام به سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی می‌کنند (Easterly, 2006).

وجود انگیزه‌ها یا ارجحیتهای فردی برای سرمایه‌گذاری در تشکیل سرمایه اجتماعی، لایه‌های بعدی سرمایه اجتماعی را در سطح میانه به وجود می‌آورد. گسترش شعاع اعتماد از درون شبکه به بیرون از آن و ایجاد اتصالات دوجانبه یا چندجانبه بین اعضای شبکه‌های مختلف و گروه‌های متفاوت اجتماعی به معنی گسترش سرمایه اجتماعی در سطح کلان است (رنانی و مویدفر، ۱۳۹۰).

در حقیقت، کسی که در زمینه سرمایه اجتماعی سرمایه‌گذاری می‌کند برخلاف سرمایه‌گذاری در سرمایه مالی و انسانی، نمی‌تواند به دریافت و بازگشت کامل فواید ناشی از این سرمایه‌گذاری کاملاً مطمئن باشد.^۹ به همین دلیل، این نوع سرمایه‌گذاری به ادراکات، تمایلات و انتظاراتی

¹. Bourdieu

². Coleman

³. Fukuyama

⁴. Becker

⁵. Collier

⁶. Portes

⁷. Dayton

⁸. Osberg

^۹. در سرمایه‌گذاری فیزیکی یا انسانی، فرد نرخ بازگشت سرمایه را با نرخ بازگشت موردنانتظار خود یا نرخ بهره بازاری مقایسه می‌کند و سپس تصمیم به سرمایه‌گذاری می‌گیرد. در سرمایه‌گذاری برای اینباشت ذخیره اجتماعی، به دلیل مادی‌نبودن همه عواید حاصل از آن، نرخ بهره بازاری وجود ندارد.

وابسته است که اقشار و گروههای متفاوت را به همکاری تغییر می‌کند. آنچه می‌تواند نظام انگیزشی جامعه را در راستای سرمایه‌گذاری برای منافع جمعی سازماندهی کند، این است که افراد جامعه بدانند در منافع ناشی از این نوع سرمایه‌گذاری سهم خواهند بود. کاهش نابرابری و محرومیتهای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند این باور و ذهنیت را که تمام اقشار و گروهها سهم منصفانه خود را به دست می‌آورند، تقویت کرده و درنتیجه باعث افزایش سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی شود (Tóth, 2011). بنابراین، گسترش سرمایه اجتماعی از طریق کاهش فقر و نابرابری و ایجاد تغییرات اساسی در شرایط زندگی و کار در کشورهای در حال توسعه به گونه‌ای که تمام آحاد جامعه از تأمین معاش، سلامت، و امنیت خود و خانواده‌شان برخوردار باشند، وظیفه مهمی برای سیاستمداران کشورهای درگیر با معضل توسعه محسوب می‌شود. در عین حال، عملکرد کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد، دولتها این کشورها در اجرای گسترده طرحهای تأمین اجتماعی و کاهش فقر و نابرابری برای شمار زیادی از جمعیت ناموفق بوده‌اند (Churchill, 2006).

نقش صنعت بیمه در سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی

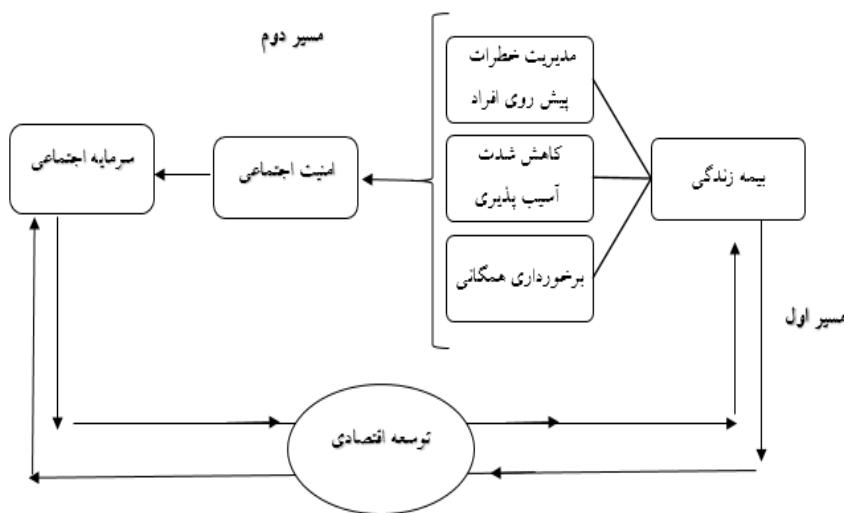
صنعت بیمه به موجب ماهیت فعالیتش یکی از کانالهای مهم پس‌انداز و درنتیجه از نهادهای مهم و محوری مالی است که در کنار دیگر نهادهای مالی در امر تهیه و تخصیص سرمایه و تأمین مالی واحدهای اقتصادی کمک می‌کند. شرکتهای بیمه علاوه بر تأمین امنیت فعالیتهای اقتصادی، از طریق ارائه خدمات بیمه‌ای، با مشارکت و به کارگیری منابع مالی انباسته شده نزد خود در فواصل زمانی دریافت حق بیمه و پرداخت خسارتها، به خصوص در بیمه‌های بلندمدت می‌تواند موجب تحرک، پویایی، رشد و توسعه بازارهای مالی شوند و منابع مالی شمار زیادی از فعالیتهای اقتصادی و طرحهای اقتصادی در بخش‌های تولیدی را فراهم آورند (حسن‌زاده و کاظم نژاد، ۱۳۸۷).

اهمیت بیمه در افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه است. همان‌گونه که در بخش ۲-۲ اشاره شد، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های خلق و گسترش سرمایه اجتماعی در جوامع، کاهش فقر و نابرابری و افزایش مشارکت و حضور افراد در حوزه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی است. با توجه به عملکرد ناموفق دولت در تأمین اجتماعی همگانی و ایجاد فرصت‌های برابر در دسترسی به امکانات اقتصادی و اجتماعی برای همه اقشار جامعه در کشورهای در حال توسعه، صنعت بیمه با مدیریت ریسک و حمایت اجتماعی از اقشار کم‌درآمد می‌تواند در کاهش فقر و نابرابری و افزایش سرمایه اجتماعی نقش بسزایی داشته باشد. بیمه مکانیزمی است که از طریق آن اشخاص کم‌درآمد و آسیب‌پذیر می‌توانند ریسکهای مختلفی را که در زندگی با آن مواجه‌اند (از جمله جانی، مالی، و کسب‌وکار) را مدیریت کنند (نورانی و همکاران، ۱۳۹۰).

فقر و آسیب‌پذیری به معنی قراردادشتن در معرض خطر، یکدیگر را تشديد می‌کنند. قراردادشتن در معرض خطر نه تنها منجر به از دست رفتن میزان قابل توجهی از منابع مالی و دارایی فرد می‌شود، بلکه ناطمنیانی از اینکه چه هنگام این از دست دادن مالی اتفاق می‌افتد، افراد فقیر را بیشتر آسیب‌پذیر می‌کند. به خاطر همین دلهره‌دانی و خطرات و نایمنی که ایشان را احاطه کرده، افراد فقیر کمتر تمایل به استفاده از مزایای فرصت‌های درآمدزایی دارند که ممکن است فقر آنها را کاهش دهد. در مواجهه با این مشکل، بیمه خرد¹ و بیمه زندگی به عنوان مهم‌ترین ابزار برای تأمین امنیت و کاهش فقر از طریق مدیریت ریسک شناخته می‌شوند. این نوع بیمه می‌تواند تا حدی جایگزین ناکفایتی دولت در پوشش فرآگیر طرح تأمین اجتماعی از اقشار ضعیف جامعه شود.

مهم‌ترین نقش بیمه این است که راهبردهای مقابله با وقایع و عوارض پس از وقوع خطر را تغییر می‌دهد. به این معنی که مثلاً فرد به هنگام مواجهه با بیماری ناچار به فروش اموال و دارایی خود نمی‌شود و درنتیجه از وقوع فقر بیشتر جلوگیری می‌شود. این امر موجب افزایش اطمینان خاطر و ثبات در مصرف و پس‌انداز و درنتیجه رفتار سرمایه‌گذاری خانوارها می‌شود. همچنین، بیمه با مدیریت خطرات قبل از وقوع، این امکان را فراهم می‌آورد تا افراد، ریسکهای بزرگتری انجام دهند به این معنی که بتوانند از دامنه گسترده‌تری از فرصت‌های کسب درآمد استفاده کنند (Mosley, 2009). همچنین، تسهیل بهره‌مندی از خدمات درمانی و بهداشتی موجبات بهبود وضعیت سلامت و زندگی افراد را فراهم می‌کند. همه این عوامل، در مجموع موجب بهبود تأمین معاش، سلامت، و امنیت خانوارها می‌شود و امکان دسترسی و بهره‌مندی از انواع فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه را افزایش می‌دهد و موجب افزایش مشارکت و حضور مولد افراد در جامعه می‌شود که درنهایت افزایش برخورداری و سرمایه اجتماعی را به همراه دارد و این طریق نقش مهمی در دستیابی به توسعه اقتصادی ایفا می‌کند. با توجه به آنچه تاکنون گفته شد، می‌توان رابطه میان بیمه زندگی، سرمایه اجتماعی، و توسعه اقتصادی را در شکل (۱) نشان داد.

¹. Microinsurance



شکل ۱: چارچوب تحلیلی رابطه میان بیمه سرانه، سرمایه اجتماعی، و توسعه اقتصادی

بیمه‌های زندگی و خرد با مدیریت خطرات پیش روی افراد و کاهش شدت آسیب‌پذیری اقشار کم‌درآمد جامعه، منجر به افزایش برخورداری همگانی و درنتیجه افزایش امنیت اجتماعی و شاخص حضور و مشارکت افراد در زندگی اقتصادی و اجتماعی و درنهایت افزایش سرمایه اجتماعی می‌شوند (Churchill, 2006; Mosley, 2009). لذا، گسترش صنعت بیمه علاوه بر آثار مستقیمی که بر رشد و توسعه اقتصادی جوامع (مسیر^۱) دارد، با کاهش فقر و نابرابری و افزایش امنیت اجتماعی و درنتیجه افزایش سرمایه اجتماعی به طور غیرمستقیم (مسیر^۲) نیز نقش مهمی در مسیر دستیابی به توسعه اقتصادی ایفا می‌کند.

روش شناسی پژوهش

با توجه به آنکه هدف از این تحقیق بررسی روابطی بین سرانه بیمه زندگی و سرمایه اجتماعی است و از آنجایی که روند تغییرات متغیرهای مذکور، غیرخطی است، بنابراین از الگوریتم تکاملی و غیرخطی GMDH در چارچوب ساختار شبکه عصبی استفاده کرده‌ایم.^۱

نتایج و بحث

داده‌ها

در این بخش، با استفاده از روش علیت غیرخطی GMDH، به مطالعه و بررسی رابطه‌ای میان بیمه زندگی و سرمایه اجتماعی برای کشورهای ترکیه، به عنوان نماینده منطقه چشم‌انداز، هند به عنوان یکی از^۴ کشور نوظهور برتر^۲ (BRIC) و دارای رشد سریع بیمه‌های زندگی در چند سال اخیر و نیز چین، دومین قدرت اقتصادی دنیا، را پن نماد عالی بیمه زندگی در دنیا، آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان نماینده کشورهای توسعه‌یافته^۳ OECD و درنهایت ایران، می‌پردازیم. داده‌های مربوط به سرانه حق‌بیمه زندگی از مجله سیگما^۴ (۲۰۱۴) جمع‌آوری شده است. حق‌بیمه سرانه از تقسیم حق‌بیمه تولیدی صنعت بیمه بر جمعیت هر کشور به دست می‌آید و بیانگر مقدار حق‌بیمه‌ای است که به طور متوسط هر نفر پرداخت کرده است. داده‌های سرمایه اجتماعی^۵ (SC) از منبع اطلاعاتی "موسسه لگاتوم"^۶ برای دوره ۲۰۰۸-۲۰۱۴ مراجعت شود.

^۱. برای آشنایی با این روش به کاردگر و احراری (۱۳۹۳) مراجعه شود.

². Brazil, Russia, India, China

³. Organisation for Economic Co-operation and Development

⁴. Sigma; World Insurance Research

⁵. Social Capital

⁶. Legatum Institute, Legatum Prosperity Index

جمع‌آوری شده است. موسسه مطالعاتی لگاتوم از سال ۲۰۰۸ به برآورد شاخصهای متفاوت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در سطح جهان (۱۴۲ کشور) می‌پردازد^۱ و یکی از مهم‌ترین پایگاه اطلاعاتی برای مقایسه عملکرد کشورها به شمار می‌رود.

GMDH علیت

در این بخش با استفاده از روش علیت GMDH، علیت غیرخطی میان دو متغیر سرانه بیمه زندگی و سرمایه اجتماعی را بررسی می‌کنیم. در مرحله اول، علیت غیرخطی GMDH از سرانه بیمه زندگی به سرمایه اجتماعی را برای کشورهای توسعه‌یافته^۲ بررسی می‌شود که نتایج حاصل در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴: نتایج حاصل از علیت غیرخطی GMDH از سرانه بیمه زندگی به سرمایه اجتماعی

RMSE	فرایند
۱/۱۴	الگو با وقفه‌های متغیر سرانه بیمه زندگی
۰/۱۵	الگو با وقفه‌های متغیر سرانه بیمه زندگی و سرمایه اجتماعی
مأخذ: یافته‌های تحقیق	

همان‌طور که از جدول ۴ مشاهده می‌شود، براساس معیارهای خطاب، با واردکردن وقفه‌های سرمایه اجتماعی به مدل، عملکرد پیش‌بینی به طور معنی‌داری بهبود یافته، که ناشی از تأثیر معنی‌دار متغیر SC بر سرانه بیمه زندگی است. مقدار عددی آماره آزمون مربوط به نسبت RMSE در الگوهای به دست آمده برابر $F(5,5)=7.23$ است که بزرگتر از مقدار بحرانی جدول، $F_{0.05}(5,5)=2.45$ است. لذا تفاوت معنی‌داری بین این دو الگو وجود داشته است و این بدان معنی است که علیت غیرخطی از سرمایه اجتماعی به سرانه بیمه زندگی وجود دارد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی علت سرانه بیمه زندگی در کشورهای توسعه‌یافته است. در مرحله دوم، علیت غیرخطی از سرانه بیمه زندگی به سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد که نتایج حاصل از آن در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۵: نتایج حاصل از علیت غیرخطی GMDH از سرمایه اجتماعی به سرانه بیمه زندگی

RMSE	فرایند
۹۹۷/۹	الگو با وقفه‌های متغیر سرمایه اجتماعی
۱۸/۹	الگو با وقفه‌های متغیر سرمایه اجتماعی و وقفه‌های متغیر سرانه بیمه زندگی
مأخذ: یافته‌های تحقیق	

- ۱. موسسه لگاتوم برآورد سرمایه اجتماعی از پاسخ نمونه آماری به پرسش‌های زیر استفاده کرده است:
 - آیا در ماه اخیر پولی در راه خیریه خرج کرده‌اید؟
 - آیا در ماه اخیر به غریبه‌ای کمک کرده‌اید؟
 - آیا متاهلید؟

- آیا در هفته گذشته وقتی را به عبادت اختصاص داده‌اید؟
- آیا می‌توانید روی کمک دولستان و خانواده خود حساب کنید؟
- فکر می‌کنید اکثریت افراد قابل اعتمادند؟
- آیا در ماه گذشته فعالیت مثبت داوطلبانه انجام داده‌اید؟

(برای جزئیات بیشتر به لینک <http://www.prosperity.com/#!methodology> مراجعه کنید)

- ۲. شامل کشورهای آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان و ژاپن است که از نظر شاخصهای سرمایه اجتماعی و سرانه بیمه زندگی به طور معنی‌داری از ۴ کشور ترکیه، هند، ایران و چین بهترند.

مطابق نتایج جدول ۵ و براساس معیارهای خطا، مدل با ورود متغیر سرانه بیمه زندگی، برتر از مدل بدون سرانه بیمه زندگی عمل کرده است. مقدار عددی آماره آزمون مربوط به نسبت RMSE در الگوهای به دست آمده برابر $52/8$ است که در مقایسه با مقدار بحرانی جدول بزرگتر است. لذا تفاوت معنی داری بین این دو الگ وجود داشته است و این بدان معنی است که رابطه علیت غیرخطی از سرانه بیمه زندگی به سرمایه اجتماعی وجود دارد. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که یک علت غیرخطی دوطرفه بین سرانه بیمه زندگی و سرمایه اجتماعی، برای کشورهای توسعه یافته وجود دارد. نتیجه اصلی حاصل براساس آماره F عبارت است از اینکه سرانه بیمه زندگی تأثیر به مرتب قوی تری بر سرمایه اجتماعی در کشورهای توسعه یافته دارد.

به طریق اولی، جدول ۶، مرحله اول علیت غیرخطی GMDH از سرانه بیمه زندگی به سرمایه اجتماعی را برای ۴ کشور منتخب در حال توسعه^۱، نشان می دهد.

جدول ۶: نتایج حاصل از علیت غیرخطی GMDH از سرانه بیمه زندگی به سرمایه اجتماعی

فرایند	RMSE
الگو با وقفه های متغیر سرانه بیمه زندگی	۰/۵۵
الگو با وقفه های متغیر سرانه بیمه زندگی و سرمایه اجتماعی	۰/۴۸

مأخذ: یافته های تحقیق

همان طور که از جدول ۶ مشاهده می شود، براساس معیارهای خطا، با وارد کردن وقفه های سرمایه اجتماعی به مدل، عملکرد پیش بینی به طور معنی داری بهبود یافته که ناشی از تأثیر معنی دار متغیر SC بر سرانه بیمه زندگی است. مقدار عددی آماره آزمون مربوط به نسبت RMSE در الگوهای به دست آمده برابر $F(5,5)=1.14$ است که کوچکتر از مقدار بحرانی جدول $F_{0.05}(5,5)=2.45$ است. لذا تفاوت معنی داری بین این دو الگ وجود نداشته و این بدان معنی است که علیت غیرخطی از سرمایه اجتماعی به سرانه بیمه زندگی وجود ندارد. به عبارت دیگر، می توان گفت که سرمایه اجتماعی علت سرانه بیمه زندگی در کشورهای منتخب در حال توسعه نیست. در مرحله دوم علیت غیرخطی از سرانه بیمه زندگی به سرمایه اجتماعی بررسی می شود که نتایج حاصل از آن در جدول ۷ آورده شده است.

جدول ۷: نتایج حاصل از علیت غیرخطی GMDH از سرمایه اجتماعی به سرانه بیمه زندگی

فرایند	RMSE
الگو با وقفه های متغیر سرمایه اجتماعی	۲۷/۱
الگو با وقفه های متغیر سرمایه اجتماعی و وقفه های متغیر سرانه بیمه زندگی	۲/۳

مأخذ: یافته های تحقیق

مطابق نتایج جدول ۷ و براساس معیارهای خطا، مدل با ورود متغیر سرانه بیمه زندگی، برتر از مدل سرانه بیمه زندگی عمل کرده است. مقدار عددی آماره آزمون مربوط به نسبت RMSE در الگوهای به دست آمده برابر $11/8$ است که از مقدار بحرانی جدول بزرگتر است. لذا تفاوت معنی داری بین این دو الگ وجود داشته و این بدان معنی است که رابطه علیت غیرخطی از سرانه بیمه زندگی به سرمایه اجتماعی وجود دارد. به عبارت دیگر، می توان گفت که سرانه بیمه زندگی علت سرمایه اجتماعی در کشورهای منتخب در حال توسعه مذبور است. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که یک علت غیرخطی یک طرفه از سرمایه اجتماعی به سرانه بیمه زندگی در کشورهای منتخب در حال توسعه مذکور وجود دارد. همچنین، مشابه نتیجه حاصله (براساس آماره F) برای کشورهای توسعه یافته، سرانه بیمه زندگی تأثیر به مرتب قوی تری بر

^۱. شامل کشورهای ترکیه، هند، ایران و چین است که از نظر شاخصهای سرمایه اجتماعی و سرانه بیمه زندگی به طور معنی داری از ۵ کشور توسعه یافته پائین ترند.

سرمایه اجتماعی دارد و درنتیجه علت غیرخطی سرانه بیمه زندگی بر سرمایه اجتماعی به طور معنی داری قوی تر از حالت عکس آن برای هر دو گروه کشورهای توسعه یافته و منتخب در حال توسعه است.

جمع‌بندی و پیشنهادها

در این تحقیق رابطه‌ی علی بیمه‌های زندگی و سرمایه اجتماعی مورد تحلیل قرار گرفت. بر این اساس از روش علیت غیرخطی GMDH برای تبیین رابطه‌ی علی و تأثیرات مقابل سرمایه اجتماعية و سرانه بیمه زندگی، برای ۸ کشور منتخب و ایران، در قالب کشورهای توسعه یافته و منتخب در حال توسعه، استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که برای کشورهای توسعه یافته، علیت غیرخطی بین سرمایه اجتماعی و سرانه بیمه زندگی، دو طرفه بوده و اثر بیمه زندگی نسبت به سرمایه اجتماعی بیشتر است که این امر، تأثیرات پایدار بیمه زندگی بر سرمایه اجتماعی را در قالب روابط علی در فرایند توسعه تأیید می‌کند. طبق نتایج این تحقیق، میزان تأثیر سرانه بیمه زندگی بر سرمایه اجتماعی در کشورهای در حال توسعه منتخب، در مقایسه با کشورهای توسعه یافته، به مراتب قوی تر از اثر سرمایه اجتماعی بر سرانه بیمه زندگی است که این بیانگر آثار قابل توجه و معنی دار توسعه بیمه‌های زندگی در فراهم کردن ساختار اجتماعی لازم در مسیر دستیابی به توسعه اقتصادی است. می‌توان این گونه تحلیل کرد که تقویت و گسترش بیمه‌های زندگی، به عنوان ابزاری برای بهبود تأمین معاش، سلامت و امنیت خانوارها، امکان دسترسی و بهره‌مندی از انواع فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه را افزایش می‌دهد، و موجب افزایش مشارکت و حضور مولد افراد در جامعه و درنهایت افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود؛ و از این طریق نقش مهمی در دستیابی به توسعه اقتصادی ایفا می‌کند. بدیهی است در کشور ایران نیز رشد بیمه‌های زندگی، می‌تواند مبنای گسترش و تقویت بسیاری از ساختهای بنیادی و ساختاری توسعه باشد.

بی‌شك آثار توسعه‌ای ماندگارتر، پایدارتر و مؤثرتر از آثار رشد در فرایندهای سیاستگذاری است. ولی کمتر سیاستگذاری (چه در حوزه‌های تصمیم‌سازی و چه تصمیم‌گیری) به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، به این نکته مهم توجه علمی و عملی دارند. چرا که تعجیل و زودبازده‌بودن سیاست‌ها، از الزامات دولتها و سیاستگذاران، در این کشورهای است. پر واضح است که چنین تفکری، ناخواسته شما را به وادی اندیشه‌های شکل‌دهنده سیاست‌های رشد و جریانهای مرسوم در سیاستگذاری و نسخه‌های معمول، البته با رنگ و لعاب تطبیق یافته با محیط، سوق می‌دهد و نتیجه همان است که طی دهه‌های اخیر خودش را نشان داده و متأسفانه ثبتیت کرده است. گرچه اندیشمندان اقل دگراندیش، تلاش‌های مستمر خود را در ترویج و گسترش فضاهای متنوع، بسیط و میان‌رشته‌ای حوزه توسعه به طور عام و توسعه اقتصادی به طور خاص، ادامه داده و می‌دهند، ولی کمتر سیاستگذاری به توصیه‌های واقع‌گرایانه، جامع‌نگر و مبتنی بر ریشه‌های موضوع ایشان توجه و عمل می‌کنند. چرا که اغلب سیاستمداران در کشورهای در حال توسعه به دنبال منافع کوتاه‌مدت، بخشی و زودبازده هستند. برای رسیدن به این اهداف، تنها رویکردهای جریان اصلی، به عنوان نگرش غالب، به عرصه طراحی و تدوین سیاست‌های مزبور وارد می‌شوند و درنتیجه بسیاری از مسائل توسعه‌ای که باید به صورت بنیادی، چندوجهی، میان‌رشته‌ای و در یک فرایند معین تبیین و تحلیل شده و نسخه‌های سیاستی مناسب و جامع‌نگر تجویز شود، مهgor می‌ماند.

بیمه‌های زندگی نیز یکی از موضوعات مهم توسعه‌ای است که از این آفت غالب در امان نبوده و به طور قابل اعتنایی مغفل مانده است. بر این اساس، توجه به توسعه و گسترش بیمه‌های زندگی از منظر آثار توسعه‌ای آن و نقش آن در افزایش سرمایه اجتماعی، یک توصیه سیاستی راهبردی، بنیادی، و نهادی است.

منابع و مأخذ

حسن‌زاده، ع. کاظم‌نژاد، م. (۱۳۸۷). مروری بر نقش صنعت بیمه در اقتصاد و بازار سرمایه ایران و برخی کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته. پژوهشنامه بیمه، ۹۱ و ۹۲، صص ۲۳۱-۲۷۶.

رنانی، م. مویدفر ره. (۱۳۹۰). چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد؛ سرمایه اجتماعية و توسعه در ایران. تهران: طرح نو.

زبیری، م. کریمی موغاری، ز. (۱۳۹۲). اثر انسجام اجتماعی بر توسعه اقتصادی؛ مطالعه بین کشوری با رویکرد داده‌های تابلویی. مجله پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۴(۱۴)، صص ۳۹-۶۲.

سالنامه صنعت بیمه ایران. (۱۳۹۱). بیمه مرکزی ایران ج.ا.ا. انتشارات پژوهشکده بیمه.

کاردگر، ا. احراری، م. (۱۳۹۳). اثر بیمه زندگی بر تولید ملی مبتنی بر رویکرد توسعه انسانی. پژوهشنامه بیمه، ۷(۱۱۴)، صص ۱۳۷-۱۶۲.

متولسی، م.، جلالی نائینی، س. غ.، نورعلیزاده، ح. ر.، میرزاپی پری، م. (۱۳۹۰). تحلیل نهادی بازار بیمه زندگی کشور: با استفاده از مدل چهار سطحی ویلیامسون. پژوهشنامه بیمه، ۲۶(۳)، پیاپی ۱۰۳، صص ۵۱-۷۷.

متولسی، م.، نیکونسبتی، ع.، فرضیزاده، ع.، (۱۳۸۹). اقتصاد نهادی. انتشارات دانشگاه تهران.

نورانی، م. ر.، تاری، ف.، مهدوی، غ.، رشیدی‌نژاد، ح.، (۱۳۹۰). تکافل، سازوکاری مناسب برای ارائه بیمه‌های خرد در مناطق روستایی ایران. دوفصلنامه جستارهای اقتصادی، ۸(۱۶)، صص ۷۷-۱۱۵.

Alesina, A.; Devleeschauwer, A.; Easterly, W.; Kurlat, S.; Wacziarg, R., (2003). Fractionalization. *Journal of Economic growth*, 8(2), pp.155-194.

Bardhan, P., (1989). The new institutional economics and development theory; a brief critical assessment. *World Development*, 17(9), pp.1389-1395.

Churchill, C.D. (2006). What is insurance for the poor?. In *Protecting the poor: A microinsurance compendium* (Vol. 11, No. 24, pp.11-24), International Labour Organization (ILO) in association with GSE Research.

Dayton, J., (2003). Social capital, social cohesion and community: a microeconomic analysis. University of Toronto Press.

Easterly, W., (2006). Social cohesion, institution and growth. Center of Global Development Working Paper, 94.

Maxwell, J., (1996). Social dimensions of economic growth. Eric John Hanson Memorial Lecture Series, 08.

Mosley, P., (2009). Assessing the success of microinsurance programmes in meeting the insurance needs of the poor. DESA Working Paper, 84.

North, D.C., (2000). The new institutional economics and third world development. In *The new institutional economics and third world development* (Vol. 21). Routledge, London and New York.

Osberg, L., (2003). Introduction in the economic implications of social cohesion. Osberg L;(Ed.). *Studies in Comparative Political Economy and Public Policy*. Toronto. Toronto University Press.

Sen, A., (1999). Development as freedom. Oxford: Oxford University Press.

Tóth, I.G., (2011). Income distribution, social cohesion and value structure. *Public Finance Focus*, 26, 254-287.